



# جریان یکسویه و نابرابر اطلاعات و اخبار

گفتگو با دکتر پیروز شعار غفاری

مصاحبه و تنظیم: فریرزیات - احمد آخوندی

● رسانه: وابستگی اطلاعاتی و ارتباطی کشورهای جهان سوم به غرب مدتهاست مطرح است اما ماهیت و مکانیزم این وابستگی هنوز به خوبی تشریح نشده است.

● رسانه: با توجه به تکنولوژیهای نوین ارتباطی،

کشورهای جهان سوم همچنان اسیر همان روابط وابسته خواهند بود یا اینکه تکنولوژی جدید چشم اندازهای

امیدوار کننده‌ای ترسیم می‌کنند؟

● دکتر شعار غفاری: ما در زمانی

صاحب خبرگزاری و مطبوعات شدیم و

روزنامه چاپ کردیم

که اینها قبلاً در غرب شکل گرفته است و ما

چشم بسته آن را تقلید کردیم.



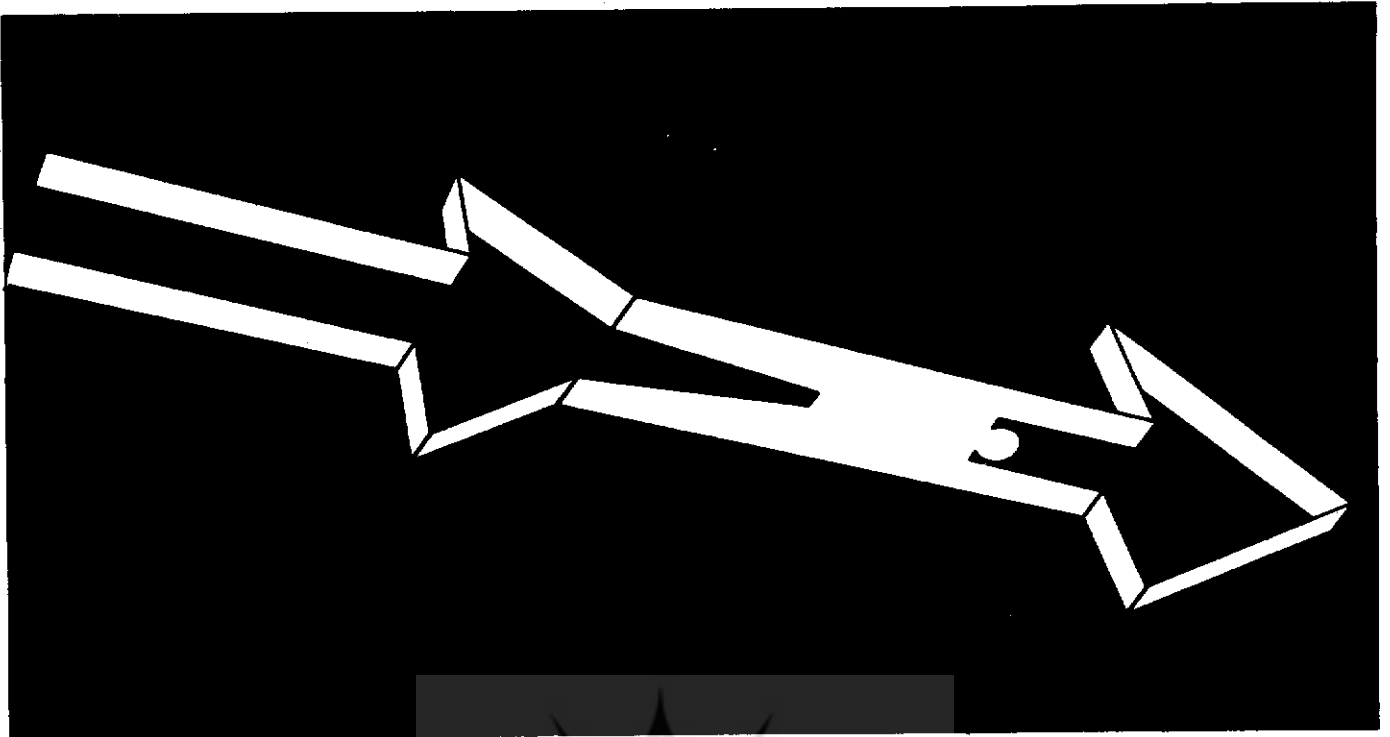
نرفته و به عرصه کنکاش و بررسی دقیق علمی کشیده نشده است. به همین دلیل نیز مسئله مرکزی این بحث - یعنی «وابستگی اطلاعاتی و مکانیزمهای آن» مورد بحث و بررسی کامل و کافی قرار نگرفته است.

حضور جمع وسیعی از محققان و پژوهشگران ایرانی مقیم داخل و خارج کشور را در نخستین سمینار «بررسی مسایل مطبوعات ایران» مفتنم شمرده، مسئله وابستگی ارتباطی و اطلاعاتی را با چند تن از این محققان در میان گذاشتیم. از آن جمله، مصاحبه با دکتر پیروز شعار غفاری از استادان بخش ارتباطات دانشگاه ایالتی نیویورک در پلتنبورگ بود، که اینک از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

«رسانه»

اشاره

وابستگی اطلاعاتی و ارتباطی کشورهای جهان سوم به غرب، که از آن به عنوان «جریان یکسویه اطلاعات و اخبار» یاد می‌شود، از جمله موانع اساسی توسعه نظام ارتباطی و مطبوعاتی این کشورهاست. با آنکه بحث از این وابستگی و تعدیل و تحدید آن در کشورهای جهان سوم و محافل بین المللی سابقه‌ای نسبتاً طولانی دارد و پیشنهادهایی چون «نظم نوین ارتباطی و اطلاعاتی» نیز که کشورهای جهان سوم و غیرمتعهد دنبال می‌کنند، حاصل چنین بحثهایی است، اما جامعه ما با این مباحث چندان آشنا نیست. به بیان دیگر، اگر چه بحث وجدال پیرامون وابستگی و راههای قطع آن در یک دهه گذشته در جامعه ما مطرح بوده، اما هیچ گاه از حد شعارهای سیاسی فراتر



□ آقای دکتر، بحث «جریان یکسویه اخبار و اطلاعات» و «وابستگی اطلاعاتی و ارتباطی کشورهای جهان سوم به غرب» مدتهاست در محافل ملی و بین المللی مطرح است، اما هنوز ماهیت و مکانیزمهای این وابستگی به خوبی تشریح نشده است. به نظر می رسد تشریح این نکات شروع مناسبی برای بحث باشد؟

● بر اساس یک نظریه، امپریالیسم دو مکانیزم دارد که شرایط وابستگی را با این دو حفظ می کند. یکی مسئله تقسیم کار است که به صورت عمودی به آن نگاه می شود، یعنی سلسله مراتب دارد. شما تولید کننده نفت هستید و آنها تولید کننده تراکتور. شما تولید کننده قهوه هستید و آنها تولید کننده ترانزیستور. یعنی در سطح بین المللی کار تقسیم می شود. بیشتر کشورهای وابسته و جهان سوم تنها کاری که می کنند، تولید مواد اولیه است. این تقسیم کار به صورت عمودی است.

مکانیزم دیگر، مکانیزم روابط فئودالی است که از نزدیک شدن کشورهای وابسته به همدیگر، ارتباطات آنها و داد و ستد بین آنها جلوگیری می کند و می خواهد تمام این روابط از طریق او (امپریالیسم) صورت بگیرد. شما نمی توانید نفت خودتان را مستقیماً به کشورهای جهان سوم بفروشید، بلکه باید آن را به کمپانی کشورهای آمریکایی بفروشید و آن کمپانی به آفریقا و یا دیگر کشورها بفروشد. هر دو مکانیزم یاد شده، در زمینه ارتباطی هم حاکم است. به عنوان مثال، به خطوط تلفن و تلگراف و تلکس نگاه کنید. اگر شما می خواهید با پاکستان که در همسایگی شماست

تماس بگیرید، لازم بود این تلفن به لندن برود و از آنجا به پاکستان منتقل می شد. در زمینه خبری نیز سلسله مراتب و تقسیم کار عمودی نیز وجود داشته و هنوز هم وجود دارد. مثلاً اگر حادثه ای در بنگلادش اتفاق می افتد، خبر این حادثه ابتدا در مطبوعات انگلیس چاپ می شود و سپس برای ما پخش می شود و به اطلاع ما می رسد. و یا مثلاً کتابهای دانشگاهی در آنجا نوشته می شود و در اینجا مصرف می شود. یعنی کار آنها دادن تئوری و نظریه است و کار ما، شاگرد خوب و مطیع و دنباله رو بودن. این دو مکانیزم، اساس حفظ و پا بر جایی سلطه امپریالیستی است. امپریالیسم نیز، پنج شاخه به هم پیوسته دارد: امپریالیسم نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ارتباطاتی. بر عکس نظریه مارکسیستها که اصولاً مسایل اقتصادی را زیر بنا قرار می دهند، بر اساس نظریه ای که در ابتدا گفتم، هیچ کدام از این جنبه های امپریالیستی بر جنبه های دیگر برتری ندارد، بلکه جنبه ای از این حالت امپریالیستی می تواند به جنبه های دیگر تبدیل شود. مسئله اساسی که حالت امپریالیستی را به وجود می آورد، میزان فرهنگی است که در این تبادل و تقسیم کار در پروسه تولید تحمیل می شود. □ با توجه به رشد تکنولوژیهای نوین ارتباطی، کشورهای جهان همچنان اسیر همان روابط وابسته خواهند بود، یا اینکه تکنولوژیهای جدید چشم اندازهای امیدوار کننده ای ترسیم می کنند؟

● مسئله واقعاً بغرنجی است که نیاز به بررسی و تأمل دقیقتری دارد. یک بحث این است که جای امید هست که ما

و نسبتاً بی طرف و کم غرض است. و در عین حال، خبرهایش اعتبار و جذابیت بیشتری دارد، و اگر در خبر دخل و تصرف کنند، خیلی عاقلانه تر است. و این یکی از اصول اساسی کار خبری است که اگر شما بخواهید پیامهایتان مؤثر باشد، باید در بین مخاطبان اعتبار داشته باشید و به موقعش - مثل بی بی سی - می توانید در اخبار دخل و تصرف هم بکنید. بی بی سی خبرهای خیلی دقیق و صحیح - حتی انتقاد از دولت خودش - را پخش و منتشر می کند و مردم باور می کنند که این رادیو قابل اعتماد و اعتبار است و در فرصت مناسب، یک خبر تحریفی نیز منتشر می کند و مردم را تحت تأثیر قرار می دهد.

□ منظور شما این است که آنها مرز بندی مشخصی بین خبر و تبلیغ و یا شعار قایل هستند، در حالی که مادرک عمیق و درستی از خبر و اطلاع نداریم و آن را با شعار و تبلیغ اشتباه می گیریم.

● من فکر می کنم باید به تاریخچه روزنامه نگاری برگردیم و تاریخ تحول و تکوین روزنامه نگاری حرفه ای را در دنیای غرب دنبال کنیم و ریشه یابی نماییم که چرا خبر در آنجا مفهوم خاص خودش را دارد. به هر جنبه خبر و تعریف آن که نگاه کنیم، دلایل تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دیده می شود. اولین بار که این بنگاههای خبری رشد و گسترش پیدا کردند، همزمان با رشد و گسترش نفوذ نظامی و اقتصادی کشورهای غربی بوده است. برای مثال، انگلیسیها که هند را مستعمره کردند یا استرالیا را کشف

کردند، همزمان با این نفوذ، روپوش تلگرافی و در کنارش راه آهن به آنجا راه می یابد. بدیهی است بیشتر این منابع، منافع اقتصادی داشته اند، دادوستد داشته اند، مواد اولیه را استخراج می کردند و به کشورشان می فرستادند و از همان ابتدای رشد سرمایه داری، خبر به شکل یک کالا در می آید. یعنی اینکه خبر محصول کار است و در نتیجه ارزش مبادلاتی دارد. خبر مثل یک کالا، مثل شکر و قند و کالاهایی که می خریم یا سرویسی که از یک حسابدار می گیریم، به صورت یک خدمت و سرویس در آمده است. یک جنبه دیگر خبر که خیلی جالب است، این است که بیشتر این خبرگزاریها مثل رویتر، آسوشیتدپرس و غیره، عمده فعالیتشان فعالیتهای خبری مربوط به امور بانکی، بورس و غیره است. بانکداران آمریکایی به خبرهایی که این بنگاهها انتشار می دهند، اتکا و اعتماد می کنند و بر اساس آنها تصمیم می گیرند. به این ترتیب، خبر از اول در بستر گسترش روابط سرمایه داری به صورت یک کالا در آمده است.

بتوانیم مستقیماً مراد و مکاتبه داشته باشیم، ولی در عین حال، شما می بینید که آنها از نظر تکنولوژی همیشه جلوتر هستند. برای مثال، در جریان جنگ آمریکا و عراق، ماهواره هایشان عکسهایی را که لازم دارند بر می دارند و به اطلاعات ضروری دست پیدا می کنند. در زمانی که ما می توانیم تراکتور تولید کنیم، آنها به کامپیوتر دست یافته اند و وقتی به کامپیوتر برسیم، آنها به تکنولوژیهای پیچیده تری رسیده اند. به نظر می رسد نمی توان به این سؤال پاسخ ساده ای داد.

□ دکتر غفاری، چگونگی و مکانیزم

این وابستگی در اخبار و استفاده از

منابع خارجی چگونه است؟

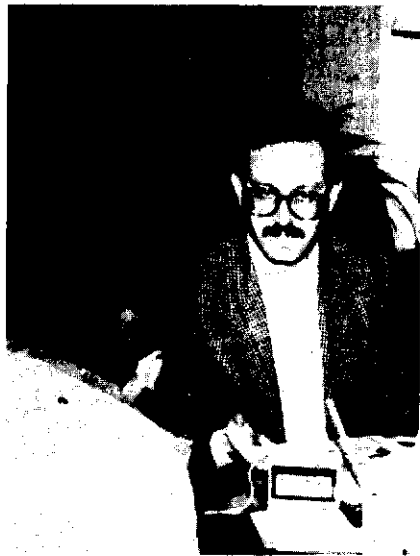
● استفاده ما از منابع خارجی، شبیه کار صنعتی بیشتر کشورهای وابسته و جهان سوم است. همچنان که در صنعت این کشورها، تکیه عمده بر مونتاژ است و قسمتهای اساسی را از کشورهای امپریالیستی می گیرند و در اینجا سرهم بندی می کنند و محصولی تولید می کنند، در مورد خبر هم وضع

چنین است. به نظر می آید، این را که اطلاعات اولیه چگونه و به چه شکل به دست ما برسد، آنها تعیین می کنند. تنها کاری که ما اینجا می کنیم، این است که آن خبر را ادیت کرده و در روزنامه جای دهیم.

□ شما گفتید که روزنامه نگاری در جهان سوم حالت

مونتاژ دارد و ما وابسته به پیامها و اخبار پرداخت شده غرب هستیم، علت این مسئله چیست؟

● این مسئله چند علت دارد. البته کوششهایی از طرف کشورهای غیر متعهد شده است. شما با اصطلاح «ایجنسی پول نیوز» آشنا هستید. این بنگاه اشتراکی کشورهای غیر وابسته است که اخبار خود را بین خود تقسیم می کنند، تا مجبور نباشند برای اینکه بفهمند در پاکستان چه می گذرد، از اخبار رویتر استفاده کنند. با وجود این، در عمل با مشکلاتی مواجهند. این مشکلات به شرایط داخلی کار و عملکرد مطبوعات کشورهای جهان سوم بر می گردد. به علاوه، اخباری که از این منابع می آید، بیشتر اخبار تبلیغاتی است. مثلاً اگر مصر یا پاکستان می خواهد خبری بفرستد، این خبرگزاری اشتراکی می آید خبرهایی را که به نفع خودش هست و جنبه تبلیغی دارد، به کشورهای دیگر می فرستد. در حالی که آن بنگاه خبری امپریالیستی که به تداوم وابستگی ما می انجامد، به جای تبلیغ، خبرش جنبه اطلاع رسانی دارد



خبرگزاری آسوشیتدپرس، الان بزرگترین خبرگزاری در دنیاست و سرمایه و سهامش متعلق به ۱۷۵۰ روزنامه آمریکایی است.

تاریخچه پیدایش آسوشیتدپرس به این صورت بوده است که در ابتدا روزنامه‌های منطقه شهر نیویورک برای گرفتن خبر از کشتیهای تجاری که از اروپا و امریکای جنوبی می‌آمدند، هرکدام جداگانه دست به کار می‌شدند. به

قبل از آنکه سرخپوستها بتوانند سیم تلگراف را پاره کنند. از این رو، ضروری است که ما پیشینه و سابقه مسایل را بدانیم که مثلاً هرم وارونه چرا رایج شده است. ولی ما در زمانی صاحب خبرگزاری و مطبوعات شدیم و روزنامه چاپ کردیم که اینها قبلاً در غرب شکل و هنجار گرفته است و ما چشم بسته آن را تقلید کردیم. □ آیا این تقلید ما موجب شده است که در روزنامه‌های

● رسانه: ما درک عمیق و درستی از خبر و اطلاع نداریم و آن را با شعار و تبلیغ اشتباه می‌گیریم.

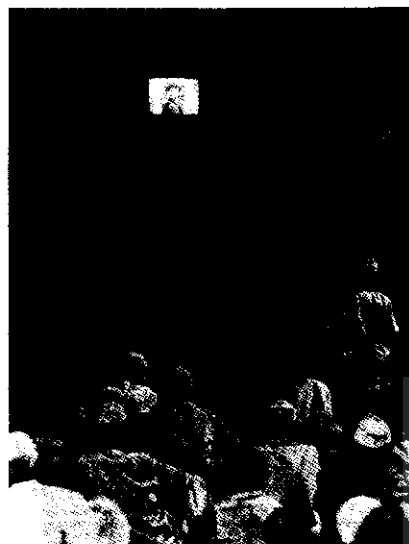
● دکتر شعار غفاری: فردگرایی و اندیشه و رای فردی ریشه‌اش در مسایل ارتباطی است و نشانه فرهنگ مکتوب و نوشتاری است. ولی در

جامعه ما، به دلیل پایین بودن سطح سواد، افراد محاوره‌ای با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند

و جامعه ما هنوز در فرهنگ شفاهی و شنیداری به سر می‌برد.

● رسانه: روزنامه‌نگاری در جهان سوم حالت

مونتاز دارد و ما وابسته به پیامها و اخبار پرداخت شده‌ایم.



ما تولید خبر فوق‌العاده ضعیف باشد. به عبارت دیگر، کمتر شاهد و ناظر عنصر خلاقیت در روزنامه‌ها باشیم. چراکه اخبار روزنامه‌ها بیشتر متکی بر تلکسهای است که خبرگزاریها می‌فرستند. در چنین شرایطی، روزنامه‌نگاری آن حالت حرفه‌ای که شما در نظر دارید، پیدا نمی‌کند. در این موقعیت، ندادن خبر و اطلاع چه پیامدهایی دارد؟

● من فکر می‌کنم تولید خبر بستگی به امکانات و داشتن کادر متخصص و تواناییهای روزنامه دارد که افراد حتی در نبود شرایط مناسب، بتوانند به تهیه و تولید خبر بپردازند. ولی نباید فراموش کنیم که در تاریخ تکوین این جامعه، ما نه فرصت داریم و نه می‌توانیم مسایلی را که جوامع غربی گذرانده‌اند، از سر بگذرانیم. مردم ما قبل از آنکه با خواندن و نوشتن آشنا شوند، مورد هجوم رادیو و تلویزیون قرار گرفتند. بحث فردگرایی مسئله مهم دیگری است. اصولاً فردگرایی ریشه‌اش در مسایل ارتباطی است و نشانه فرهنگ نوشتاری است. ولی در جامعه ما به دلیل پایین بودن سطح سواد، افراد با نقالی، داستانسرایی و گفتگوهای محاوره‌ای با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کردند و کم و بیش جامعه ما هنوز در سطح فرهنگ شفاهی و شنیداری به سر می‌برد. یکی از رسالتهای عمده مطبوعات در این زمان، ایجاد روزنامه‌های بسیار ساده برای سواد آموزان است.

این شکل که یک قایق بر می‌داشتند و به استقبال مسافران این کشتیها می‌رفتند. پس از مدتی متوجه شدند که این شیوه از نظر مالی مقرون به صرفه نیست، و اگر بیایند یک نفر را استخدام کنند که به صورت کارآمدتر این خبر را تهیه نماید، به مراتب بهتر است. این اتفاق، ریشه آسوشیتدپرس بود و به مرور روزنامه‌های مناطق مختلف هم به آن پیوستند. و هر جا که حاکمیت و نفوذ آمریکا گسترش پیدا کرده، به ویژه در امریکای لاتین، اینها هم پشت سرش گسترش پیدا کرده‌اند.

پس چند چیز مشخص می‌شود که: اولاً به خبر به صورت یک کالا نگاه می‌شود، ثانیاً نفوذ و گسترش آن بنا به واقعیتهای اقتصادی تعیین می‌شود.

وقتی می‌گوییم هرم وارونه، این سؤال پیش می‌آید که هرم وارونه از کجا آمده است؟ در دوران به اصطلاح یک دست کردن آمریکا، سرکوب سرخپوستها و گسترش نفوذ آمریکا و به اصطلاح صنعتی کردن آمریکا که فوج فوج به طرف غرب آمریکا می‌رفتند و بعد از آن، در جریان جنگ داخلی آمریکا که شمال و جنوب با هم در جنگ بودند، خبرنگارهایی که به جبهه فرستاده می‌شدند، احتیاج داشتند که با هم رقابت کنند. و از آنجا که خطوط تلگرافی امن نبود، آمدند و این شکل هرم وارونه را ایجاد کردند که اصل خبر را در کوتاهترین و سریعترین شکل به تحریریه‌شان بفرستند،

از سوی دیگر، ما دیکتاتور زده هستیم و دیکتاتور زدگی در فرهنگ ما وجود دارد. در خانه‌هایمان که بزرگ می‌شویم، پدر سالاری و زورگویی حاکم است به مدرسه که می‌رویم معلم یا ناظم گوشمان را می‌کشد و امر و نهی می‌کند و در نهادهای اجتماعی که به فعالیت می‌پردازیم، روابط رییس و مرئوسی حاکم است.

به تعبیر دیگر، ما به دلیل همان فرهنگ شفاهی عزت و احترام زیادی برای سالمندان و ریش سفیدان قایلیم و به حافظه و دانش آنها معتقد و نیازمندیم. این رابطه نه به دلیل آن است که آنها را از آن جهت که پیر و ریش سفید هستند، دوست داریم، بلکه در جوامع ابتدایی و بسته، ریش - سفیدان کتابخانه‌های متحرک جامعه هستند و ما از نظر حقوقی، فنی و اطلاعاتی به آنها وابسته‌ایم. به دلیل همین وابستگی، افراد کمتر به خودشان وابسته‌اند و بیشتر به جمع گرایش دارند. یعنی روحیه فردگرایی که ریشه در تعقل فردی و آگاهی و سواد دارد، هنوز کاملاً شکل نگرفته است. فرهنگ مکتوب امکان ظهور و بروز فردگرایی و اندیشه و رای فردی را فراهم می‌کند و مطبوعات، نمونه بارزی از فرهنگ مکتوب هستند. این فرهنگ مکتوب، در جامعه ما ریشه ندوانده است و ما بر خلاف اروپا، مدت بسیار کوتاهی را - به قول مک لوهان - در این کهکشانی گوتنبرگ به سر برده‌ایم.

□ روزنامه‌های ما بعد از انقلاب بیشتر جنبه خبری دارند، یا قبلاً؟ اصولاً چه شرایطی موجب می‌شود که در رسانه‌ها و مطبوعات جنبه خبری بر جنبه تبلیغی و یا به عکس برتری یابد؟

● در غرب خبر ابتدا بیشتر جنبه مراسمی و مسلکی و عقیدتی داشت. تا اینکه بنا به صنعتی شدن جامعه، بالا رفتن سطح سواد و افزایش اوقات فراغت مردم، بازاری برای اطلاعات پیدا شد و کار مطبوعاتی به شکل یک تجارت در آمد.

ما هنوز در کشورمان این مشکل را داریم که یک روزنامه - حتی محبوبترین روزنامه - نمی‌تواند خود کفا باشد. یعنی آنقدر تیراژ داشته باشد و آگهی جمع کند که احتیاج به کمکهای دولت یا آگهیهای دولتی نداشته باشد. ما این شرایط برایمان پیش نیامده و نمی‌توانیم مثلاً صبر بکنیم تا چنین حالتی پیش بیاید تا ما روزنامه‌مان را منتشر کنیم. بنابراین، تا زمانی که این استقلال ایجاد نشود، روزنامه‌های ما مراسمی و تبلیغی هستند تا خبری و تجاری.

روزنامه‌ها قبل از انقلاب هم مراحل مختلفی داشته‌اند. مثلاً در زمان دکتر مصدق در شهریور ۲۰ و به اصطلاح تسخیر ایران به دست قوای متفقین و استعفای رضا شاه،

تعدد مطبوعات بوده است. یعنی هر وقت مجالی پیش آمده، به خاطر عدم تسلط یک قدرت و حکومت مرکزی و ایجاد آزادی نسبی، مطبوعات متعدد و متنوع شده‌اند.

من فکر می‌کنم تا وقتی مسئله اساسی قدرت و تمرکز قدرت کاملاً حل نشود، این حالت (تفوق جنبه تبلیغی بر خبری) نیز کاملاً از بین نخواهد رفت. در همه جای دنیا مطبوعات یک جور نیستند. مثلاً شما به فرانسه نگاه کنید. هنوز آن ریشه وابستگی مطبوعاتی با وجود خودکفایی تا حدود زیادی وجود دارد. یا در ایتالیا وابستگی به احزاب مختلف و مرامهای مختلف وجود دارد. در بسیاری از کشورهای دیگر، مطبوعات به صورت ارگانهای حزبیهای مخصوص هستند. در حالی که در مطبوعات آمریکا وابستگی به احزاب وجود ندارد، بلکه تجارت محض است. یعنی بازار آزاد و مطبوعات با هم رقابت می‌کنند، هر کس توانست خواننده و آگهی بیشتری را جذب کند، باقی می‌ماند.

□ شما معتقدید به میزانی که مطبوعات ما دولتی و حزبی نباشند جنبه خبری آنها بر جنبه شعاری و تبلیغی آنها تفوق پیدا می‌کند و در جایی که مطبوعات به استقلال مالی برسند، یا نوعی بی طرفی ایدئولوژیک، جنبه خبری پیدا می‌کنند و شکل تجاری به خود می‌گیرند.

● نه، من نمی‌خواهم بگویم که لزوماً یک سیستم بر سیستم دیگر برتری دارد و مطبوعات حزبی شود یا دولتی یا تجاری. اینها را تحولات جامعه روشن خواهد کرد.

به غیر از دوران آشوب و ندانم کاریها، مطبوعات به هر یک از شکل‌های مختلف که منتشر شود، حالت حرفه‌ای و تخصصی بیشتری پیدا خواهد کرد. وقتی که ما یک سیستم چند حزبی داشته باشیم و احزاب درست جا افتاده باشند و بر اساس توافق مشترکی بر سر قدرت سیاسی، مبارزه انتخاباتی داشته باشند، خبر در مطبوعات می‌تواند جایگاه خود را پیدا کند. من نمی‌گویم لزوماً باید مطبوعات تجاری باشد، تا خبر جایگاه خود را پیدا کند. ولی به هر حال باید تکلیف تقسیم قدرت سیاسی حل شود. در غیر این صورت، نمی‌توان انتظار داشت که مطبوعات خود به خود آینه واقعیتها و منعکس کننده مسایلی باشند که در جامعه می‌گذرد و جامعه نیاز به اطلاع از این واقعیتها و اخبار دارد.

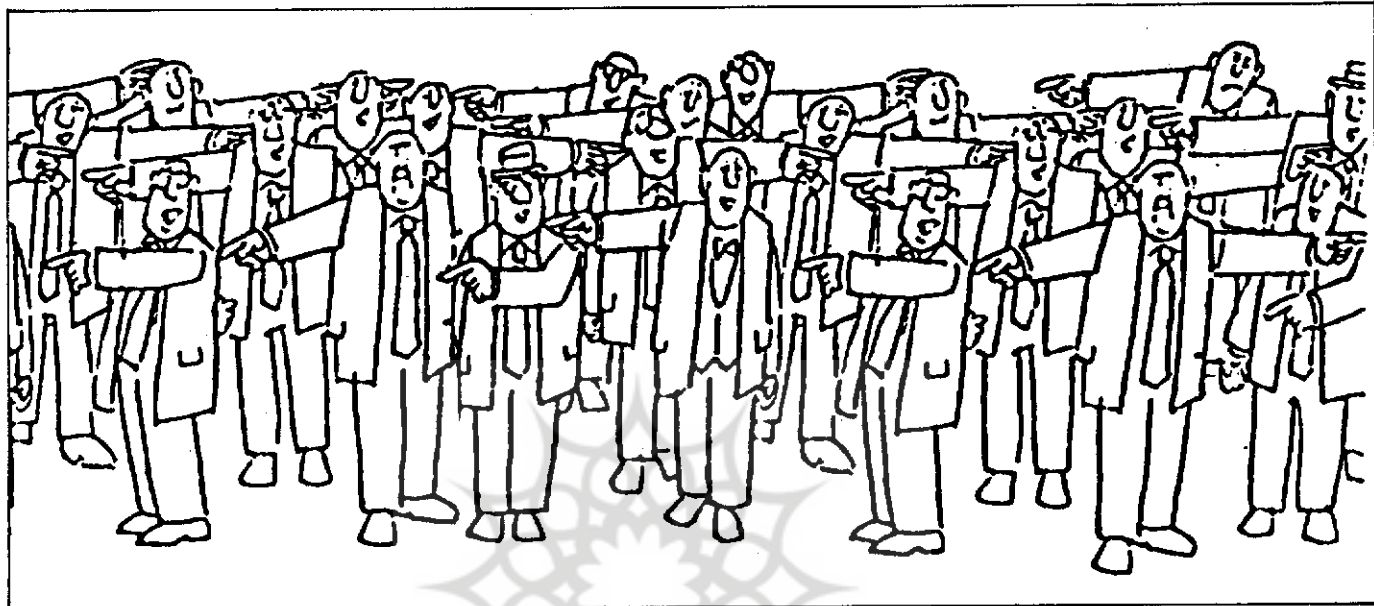
□ بنابراین به نظر شما، توسعه مطبوعاتی، وابسته به توسعه سیاسی جامعه است. یعنی به میزانی که نهادهای سیاسی دموکراتیک شکل بگیرند و کانالهای مشارکت مردمی نهادی شوند، مطبوعات توسعه می‌یابند.

● به نظر من، تا وقتی که این مسئله تقسیم قدرت حل نشود، مسئله مطبوعات و فرهنگ حل نخواهد شد.

نمی‌خواهم بگویم فرهنگ و مطبوعات صرفاً روینایی هستند، ولی به میزان بسیار زیادی تابع آن متغیرهای دیگرند.

□ با توجه به اینکه شما تحقیقی در مورد انعکاس اخبار خارجی در مطبوعات ایران انجام داده‌اید، بفرمایید روزنامه‌های ایران قبل و بعد از انقلاب به لحاظ حجم اخبار خارجی با هم چه تفاوتی دارند و نگاه مطبوعات ما

کجا نظر رژیم است و این خبر از کجا آمده است و اصل خبر چیست، تا بتواند بر اساس این اطلاع، که یک خدمت محسوب می‌شود، تصمیم بگیرد. شما که یک تاجر یا بانکدار یا به هر حال آدم متخصصی هستید، احتیاج دارید به روزنامه مراجعه کنید و بر اساس داده‌ها و اطلاعات آن، برای خود برنامه بریزید و تصمیم بگیرید که چکار باید بکنید و چکار نباید بکنید. ولی وقتی خبر و تفسیر آن در هم



به اخبار خارجی، در حال حاضر، نگاه به درون است یا به بیرون؟ به عبارت دیگر، استفاده از اخبار خارجی در جهت تأمین نیازهای داخلی است و یا صرفاً انعکاس اخبار خارجی؟

● از نظر کادر تخصصی و حرفه‌ای، در سالهای قبل از انقلاب تا حدودی مطبوعات تخصصی تر و حرفه‌ای تر بودند و به لحاظ کیفیت ارائه خبر حالت جا افتاده‌تری داشتند. ولی به لحاظ کیفی، درج اخبار خارجی در روزنامه‌های کیهان و اطلاعات چه قبل و چه بعد از انقلاب، تفاوت چندانی نکرده است.

اتفاقاً یکی از حالت‌های جذاب وضع حاضر، تعدد بینشهاست. تعدد و تنوع مطبوعات، خواه ناخواه اجازه برخورد عقاید را فراهم می‌سازد. ولی در کلیت، مسئله به تخصص باز می‌گردد، به امانتداری و بی‌طرفی روزنامه‌نگار در ارائه خبر. البته این اصل پذیرفته شده‌ای است که روزنامه‌نگار می‌تواند خبر را در چارچوب معنی داری ارائه و تفسیر کند و به خواننده بگوید که این خبر چه معنایی دارد و حتی روزنامه‌نگار حق دارد در سرمقاله یا در ستون‌های دیگر روزنامه و نشریه بگوید که بینش خودش در باره این خبر و یا آن خبر چیست. ولی اخبار و تفسیر و تعبیر آن باید از هم تفکیک شوند تا خواننده بداند کجا نظر سردبیر است،

ادغام شده باشد، به مرور خواننده اعتمادش سلب می‌شود و نمی‌داند آیا این خبر بی‌طرف و بی‌غرض است، یا خیر. از خود ارائه خبر و تخصص در خبر نویسی که بگذریم، سیستم سیاسی کشورها و هنجارهایی که رهبران سیاسی کشورها دارند، اجازه نمی‌دهد که خبرنگار موضع بی‌طرف مطبوعات آمریکا ملاحظه می‌کنید انتقاداتی از سانسور مطبوعات آمریکا در زمان جنگ با عراق درج شده است، به این دلیل است که بیشتر مطبوعات آمریکا حرف دولت آمریکا و وزارت خارجه آمریکا را می‌زنند و نظام آن قدر ثبات دارد که می‌تواند سه چهارم تا صدای مخالف و منتقد را تحمل کند و سیستم با این انتقادات دچار مخاطره نمی‌شود. این قدرت هاضمه قوی در نظام‌های مقتدر به این مسئله جامعه شناسی باز می‌گردد که نقش و کارکرد مطبوعات و روزنامه‌ها در جوامع مختلف و در شرایط تکاملی مختلف چه می‌تواند باشد. شما اگر به مطبوعات آمریکا در شهرهای کوچک و بزرگ نگاه کنید، ملاحظه خواهید کرد روزنامه‌های محلی که در یک شهر کوچک با داشتن ۱۰ یا ۲۰ هزار جمعیت منتشر می‌شود، با روزنامه‌های یک شهر بزرگ مثل نیویورک و واشنگتن متفاوتند. شما می‌بینید حتی در آنجا هم از نظر اخبار داخلی خود آن منطقه، برخوردشان با خبر و

انتخاب خبرفوق دارد. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد جامعه‌ای که به لحاظ روابط اجتماعی تکامل پیدا نکرده و تا حدودی کوچک و بسته و محدود است و گروه نخبگان در آن تصمیم‌گیری نمی‌کنند، درست مثل دهی است که یک عده ریش سفید و کدخدا می‌نشینند و تصمیم می‌گیرند و عقیده و نظر هیچ کسی را هم نمی‌پرسند. ولی وقتی که جامعه پیچیده‌تر و متکاملتر می‌شود و منافع متضاد در آن دیده می‌شود، در چنین شرایطی، نقش مطبوعات فرق می‌کند. در اینجا نقش مطبوعات، برای حفظ کلیت سیستم، ایجاد حالت اصطکاک و بر خورد عقاید است.

در حالی که در یک جامعه بسته و کوچک، سیستم از طریق کنترل و نوع تقسیم خبر بهتر حفظ و اداره می‌شود، در یک جامعه خیلی پیچیده و مترقی، مطبوعات از طریق ایجاد اصطکاک بهتر می‌توانند سیستم را حفظ کنند. من فکر می‌کنم جامعه ایران در حال حاضر به آن حالت پیچیدگی رسیده است که روزنامه‌های متعدد برای جناح‌های مختلف داشته باشد، اما با بینش حرفه‌ای و تخصصی در کار مطبوعاتی.

برمی‌گردم به حرف قبلی‌ام که مطبوعات مخصوصاً در کشورهای جهان سوم، به لحاظ پوشش اخبار خارجی در خدمت سیاست‌های خارجی کشور هستند و این مسئله قابل توجیه هم هست. چرا که جامعه هنوز آن قدر استقرار و ثبات ندارد که از تهدیدات خارجی خاطر جمع باشد و بتواند دیدگاه‌های مختلف را تحمل کند.

□ در چنین شرایطی که جوامع بسته‌اند، یعنی روابط خیلی محدود است و در کار مطبوعاتی افرادی هستند که از آموزش حرفه‌ای بالایی برخوردارند، تاچه حد مطبوعات می‌توانند در ایجاد فضای باز بیشتر و یا ایجاد روابط پیچیده‌تر نقش ایفا نمایند. به نظر می‌رسد اگر تخصص حرفه‌ای روزنامه نگاری وجود داشته باشد، حتی در جوامع بسته نیز مطبوعات قادرند نقشی اساسی ایفا نمایند.

● بله، امکان دارد، ولی مسئله این است که آیا روزنامه نگار، روزنامه نگاری را به عنوان یک حرفه مستقل برای خودش انتخاب کرده یا اینکه این حرفه پلی برای گرفتن مقام یا در خدمت مرام و دسته و حزب است. وقتی که شما به صورت حرفه‌ای، در مورد شغل خود تعصب دارید و می‌خواهید مستقل باشید و در عین حال اعتبار و حیثیت داشته باشید و در مقابل خواننده مسئولیت و رسالتی احساس می‌کنید؛ بنابراین، به مسئله جدیتر نگاه می‌کنید و خود را صاحب حقوقی در مقابل دخالت دولت می‌دانید. شما می‌خواهید به خاطر اعتقادی که به تخصص، و ایمانی که

به صداقت دارید، خودتان تصمیم‌گیرنده باشید. و می‌دانید که اگر صداقت و اعتبارتان در مقابل خواننده از بین برود، فردا روزنامه‌تان را نمی‌خوانند. برای اینکه حرفه و موقعیت خود را حفظ نمایید، موظفید پیرو اصولی باشید که پایبندی به حرفه و تخصص روزنامه‌نگاری است.

□ تناسب بین حجم اخبار خارجی و داخلی را در روزنامه‌های قبل و بعد از انقلاب به چه صورت می‌بینید؟  
● حجم اخبار خارجی و داخلی تابع متغیرهای مختلفی است. ما در طول ۱۲ سال اخیر به طور نسبی در انزوا بودیم و روابط دیپلماتیک چندان وسیعی نداشتیم و از سوی دیگر، با مسایل بغرنج و فراوان داخلی رو به رو بودیم.



طبیعی است که در این حالت، روزنامه نمی‌تواند به درج اخباری پردازد که خواننده تمایلی بدان ندارد و به اجبار به مسایل داخلی می‌پردازد. در تحقیقی که من انجام دادم و ده سال روزنامه‌های ایران را مطالعه کردم و سال به سال حجم اخبار خارجی و داخلی را مقایسه نمودم، متوجه شدم در ۵ سال دوم، حجم اخبار خارجی روزنامه‌ها بیشتر شده است و این روند همچنان سیر صعودی را طی می‌کند. وقتی که ما روابطمان را با سایر کشورها بیشتر کنیم، این امر در انعکاس اخبار خارجی تأثیر می‌گذارد و حجم آن را بیشتر می‌کند.

□ برخی از صاحب نظران و نظریه پردازان معتقدند در جوامعی که در فضای داخلی محدودیتی ندارند، اخبار داخلی در مطبوعات حجم بیشتری را به خود اختصاص می‌دهند و حتی در انعکاس اخبار خارجی، «نگاه به درون» دارند و مسایل داخلی را منعکس می‌کنند. و به عکس، در جوامعی که در فضای داخلی آنها محدودیت وجود دارد، به ناچار مطبوعات برای فرار از مسایل داخلی، به سمت اخبار خارجی پناه می‌برند. نظر شما چیست؟

● این نظریه درست است و من نیز به آن اعتقاد دارم. من مدتها در مجله کیهان ورزشی کار می‌کردم. وقتی که ما کادر

● رسانه: نگاه مطبوعات ما به اخبار خارجی در حال حاضر «نگاه به درون» است، یا به بیرون؟

به عبارت دیگر، استفاده از اخبار خارجی در جهت تامین نیازهای داخلی است و یا صرفاً انعکاس اخبار خارجی؟

● دکتر غفاری: استفاده خبری ما از منابع خارجی شبیه کار مونتاز در کشورهای جهان سوم است.

تنها کاری که ما اینجا می‌کنیم این است که خبر را ادیت می‌کنیم و در روزنامه جای می‌دهیم.

به اخبار و تحولات خارجی نداشته‌اند. ولی وقتی ما در منطقه‌ای مثل خاورمیانه زندگی می‌کنیم و کشورها این قدر به هم نزدیکند، بدیهی است هر چیزی در بیرون مرز ما می‌گذرد، روی جامعه ما اثر می‌گذارد، و ما مجبوریم بدانیم که پیرامون ما چه می‌گذرد. یا اروپاییها که حیات اقتصادی‌شان وابسته به واردات مواد اولیه از جاهای دیگر دنیا بوده است، همیشه باید مطلع باشند که حکومت در کنیا، غنا و در فلان جا چه تغییر و تحولی داشته است. کسی که کارخانه دارد و منتظر است که پنبه از مصر بیاید، باید بفهمد تکلیفش چیست.

□ به عنوان آخرین سوال، با توجه به اینکه شما مدتها در مجلات ورزشی کار کرده‌اید، نظر شما در باره تعدد و تنوع نشریات ورزشی چیست؟  
می‌دانید که اخیراً نشریات ورزشی کشور متنوع شده و چندین هفته نامه مختلف انتشار یافته است. و علاوه بر آن، برخی از روزنامه‌ها در انعکاس اخبار ورزشی جدیت بیشتری دارند.

● کار در مطبوعات ورزشی یکی از دلخوشیهای من در فعالیت مطبوعاتی قبل از انقلاب بود. چرا که در زمینه ورزش شما می‌توانید خبر تهیه کنید، از بالا به شما گفته نمی‌شود چه خبری را حذف کنید و یا بر روی چه خبری کار کنید و یا بولتن نمی‌آید، کمتر با مشکل مواجه می‌شوید و کار خلاق بیشتری انجام می‌دهید. شما می‌توانید به عنوان یک خبرنگار از هیچ چیز، یک خبر بسازید و تولید خبر کنید. و این امر، کسی را که می‌خواهد خلاقیت و تولید داشته باشد، ارضا می‌کند. در تمام دنیا کسانی که روزنامه‌نگاران موفق شده‌اند، بیشتر کارشان را با مطبوعات ورزشی شروع کرده‌اند. دقیقاً فلسفه آن را نمی‌دانم، ولی چون قید و بند وجود ندارد و فرد خلاقانه می‌تواند به کار تهیه خبر بپردازد، غالب روزنامه نگاران برجسته، ورزشی نویس بوده‌اند.

حرفه‌ای داشتیم، می‌توانستیم مطالب جالبی از مسایل ورزش در جامعه ایران بنویسیم به همین دلیل، ترجیح می‌دادیم به مسایل داخلی ورزش ایران بپردازیم. ولی وقتی با کمبود کادر حرفه‌ای مواجه می‌شدیم و به ناچار می‌بایست مجله را پر کنیم، به ترجمه هجوم می‌آوردیم، یا به مسایل آموزشی می‌پرداختیم، که در عین مطلوبیت، آن قدر حیاتی و ضروری نبود. این نظریه و حرف شما کاملاً درست است که وقتی فضای داخلی بسته باشد و شما موظف باشید که روزنامه‌ای در ۸ یا ۱۰ صفحه انتشار دهید، هر چیز که به دستتان برسد، درج خواهید کرد.

اینجا بحث دیگری هم وجود دارد و آن بحث این است که چقدر کادر حرفه‌ای و چقدر عکاس و خبرنگار دارید که بتوانند به مسایل مختلف جامعه بپردازند. و اگر این کادر را نداشته باشید، به ترجمه و مسایل خارجی می‌پردازید که ممکن است ربط چندانی هم با کار شما نداشته باشد. مسئله دیگر اینکه، شما به انعکاس اخبار در تمام کشورهای جهان سوم نگاه کنید. چون این اخبار آماده شده و از سوی خبرنگارها برای آنها ارسال می‌شود، به سهولت و بدون مشکلی قابل درج هستند و ضرورتی ندارد وقت چندانی روی خبر و تنظیم آن صرف شود.

بهتر است بدانید که در آمریکا حجم اخبار خارجی که خیلی هم به آنها انتقاد می‌شود، بسیار کم است. به همین دلیل، آگاهی مردم آمریکا از دنیای خارج خیلی کم است. باز باید این مسئله را ریشه‌یابی کرد که چرا در آمریکا هنوز یک روزنامه سراسری به آن شکل وجود ندارد؟ (البته روزنامه‌ای هست که چنگی هم به دل نمی‌زند). چرا مردم آمریکا نسبت به حوادث دنیای خارج بی تفاوت و ناآگاه هستند؟ و چرا اینقدر نمره‌های جغرافی آنها پایین است؟ این مسئله، دلیل اقتصادی تاریخی دارد. برای اینکه آمریکا برای خودش یک بازار خیلی بزرگی است. قاره‌ای است که هر چه می‌خواستند، در آن وجود داشته است و احتیاج و علاقه‌ای